

ابرج افشار جنگ چینی یا سفینه ایلانی (پوسی) قسمت پنجم

سفر به نان کین

از شهرهای قدیمی و پرآوازه چین است و امروز به مناسبت آنکه پل یانگسی به طول ۶۷۰۰ متر در آنجا ساخته شده، از دیدنی‌گاههای سیاحتی است. در حومه همین شهر است که آرامگاه مجلل سون یاتسن قرار دارد و هر دیدارکننده‌ای دیدن آن را تفریحی می‌داند. بالاخره از جاهای دیدنی دیگر این شهر، معبد و آرامگاه سلاطین سلسله مینگ است. مقبره گمانا چین، موزه نهضت دهقانی و موزه شهر هم از زمره دیدنیها است.

پس از متوقف ساختن انقلاب فرهنگی، دانشکده هنر نانکین با شور و شوقی بسیار و گوش و گشایی دیدنی تجدید حیات کرده. این دانشکده مجموعه‌ای است از سه دانشکده‌ای که به تناوب در سالهای ۱۹۱۲، و ۱۹۵۱ تأسیس شده بود و از درهم شدن سه دانشکده یک دانشکده به وجود آمد که دارای دو شعبه است: موسیقی، صنایع هنری (نقاشی چینی، نقاشی روغنی، طراحی صنعتی برای پارچه و جز آن، تراشکاری هنری، تئوری هنر).

تولیدهای دانشجویان این دانشکده قسمتی از صنایع دستی چین است که در بازارهای مملکت و خارج مملکت به فروش می‌رسد و ارزش خارجی عاید کشور می‌سازد.

در این دانشکده ۵۹۰ نفر کار می‌کنند. از میان آنها ۳۵۱ نفرشان کارمند و معلم‌اند و بقیه دانشجو. تعداد استاد و دانشیار تمام عیار ۲۴ نفر است. در همین دانشکده است که دوره‌های کوتاه مدت تعلیم صنایع دستی برای کارگران و دهقانان ترتیب می‌دهند تا کارگران و دهقانان مطابق ذوق خود هنری بیاموزند و به هنگام فراغت وقت خود را مصروف آن کنند.

سنت و قدرت هنر چین در تالارهای این مدرسه درست به چشم می‌آید و بیننده در هر یک از قسمتهای مربوط به نقاشی، طراحی، خوشنویسی، حمصیربافی، کارهای عاجی و لاکسی، چینی، میناسازی، ابریشم‌دوزی، تراشکاری، قلاب‌دوزی به تحسین می‌ایستد و چشمش در مقابل طرحها، رنگها از اعجاب گاه بسته می‌شود.

رئیس دانشکده هنر هشتاد و دو ساله است. نقاشی است بسیار مشهور و نامش لیوهای شو است. در دوره انقلاب فرهنگی او را در طبقه چهارم ساختمانی که طبقه اول آن گاراژ و بسیار پرآمدورفت و سروصدا دار بود سکنی داده بودند. جایی بود که هیچ‌گونه آرامشی و تجانسی با

آن روح لطیف و هنرآفرین نداشت.

اصولا " به هر دانشکده و دانشگاه و مدرسه و کتابخانه و موزه‌ای که رقتیم، سن مدیران و رئیس‌ان آنها میان پنجاه و شصت و حتی تا هفتاد سالگی بود. رئیس کتابخانه شهر نان‌کین هفتادوشش سال دارد و به کار مشغول است. در دانشگاهها و مراکز علمی قید سن نیست ولی در کارخانهها و ادارها سن قانونی کار، کاملا " رعایت می‌شود. استادان و عالمان به پیری رسیده اکنون به احترام تمام کار می‌کنند.

بگذریم. معاون دانشکده هنر شاعر معروفی است و هنر دیداری او خطاطی است و در همین دانشکده تدریس خوشنویسی می‌کند.

نقاشی چینی

در قسمت نقاشی، دیوارها به پرده‌های زیبای نقاشی چینی پوشیده شده بود. چون میان نقشا تفاوت‌های بارز دیدم، پرسیدم اختلاف در چیست؟ استادی توضیح داد، اصولا " دو سبک در نقاشی چینی متمایز است: یکی موسوم است به "گومی" Compi یعنی آن اسلوبی که نشان‌دهنده ظاهر و صورت اشیاء است. دیگری اسلوبی است موسوم به شی shei یعنی آن طرز که بیان فکر در آن نهفته و مستتر است. بالاخره نقاشی ممکن است مخلوطی باشد از این دو.

گفت در آن دسته از کتب مصور قدیمی چین که جنبه قصه‌ای و خیالی دارد و نیز در کتب تاریخ اغلب نقاشیها به اسلوب "گومی" است. گفت که درین نوع، ریزه‌کاری قلم جلوه‌گر است و در نوع دیگر پهنی قلم.

فهم نقاشیهایی که به اسلوب شی است آسان نیست. کسی می‌تواند بر رموز آن واقف شود که با عمق فرهنگ چینی و سنت‌کهن و عوامل نقش‌آشنایی تام داشته باشد.

اهمیت خاص نقاشی قدیم چینی در نحوه به‌کار بردن رنگ مرکب شبق رنگی است که حالات مختلف را با کم و بیش کردن قوت رنگ می‌نمایانده‌اند. در اغلب نقاشیهای قدیم رنگ سیاه عامل عمده و اصلی است.

در بعضی از نقاشیهای چینی، نقاش بی‌گرده (= بیرنگ)، نقش آفریده است. یعنی مستقیما " با رنگ فکر خود را بر پرده آورده است.



مهر، سجع مهر

در هر پرده نقاشی دست‌کم یک مهر به رنگ آل (سرخ لاک‌ی) دیده می‌شود، شبیه آن مهرهایی که بفرمان سلاطین ایلخانی ایران دیده‌ایم. مهر جزء لاینفک و سند اعتبار نقاشی است. در بعضی از پرده‌ها حتی سه مهر می‌بینیم. یکی از مهرها مهر نام و نسبت نقاش است

و مهرهای دیگر معمولا " برای برگردن جای خالی صفحه و ایجاد تناسب و زیبایی. نقش مهری که برای زیبایی است، عبارت است از نقل قولهای حکیمان و شاعران و هنرمندان چینی و معمولا " کلمات قصارست مثل شعر چینی که کوتاه است و پر معنی و پراهم.

مهری که نقاش و خطاط برای رقم خود اختیار می کند، دو نوع است: یکی مهر نام حقیقی است و دیگری مهر نام قلمی (مستعار). رقم مهر بعضی از اشخاص مهم عبارتی است بمانند سجع مهرهایی که در ایران برای پادشاهان و رجال و علما مرسوم بود. و شاید این رسم را هم ما از چینیان آموخته باشیم که آنها مهرهایی دارند بسیار قدیمی تر از آنچه ما در اسناد خود دیده ایم.

پرسیدم قدیمی ترین مهر چینی از چه زمانی است؟ متخصص مهرگنی گفت در موزه شهری "یانجو" مهری هست به شکل لاگ پشت از آن دوهزار سال پیش، سجع مهر بر زیر شکم آن لاگ پشت نقر شده است.

در ضرب مهر بر روی پرده نقاشی یا قطعه خط حتما " باید تناسب دقیق میان "مهر رقم" و "مهر آرایشی" رعایت شود. معمولا " آن دو در دو گوشه و اغلب روبروی هم واقع می شود. در گوشه سمت راست در بالا و گوشه سمت چپ پائین یا بالعکس. تجاوز زیاد از این قاعده و سنت مرسوم نیست.

چه بسا که مهرگنی، خطاطی، طراحی، نقاشی، شاعری در یک شخص جمع باشد. مانند معاون کنونی همین دانشکده که این همه اطلاعات را از زبان او شنیدیم. می دانیم که در ایران هم هنرمندانی بوده اند که این هنرها را در خود جمع داشته اند.

گفتند مهرزدن بر روی ورق نقاشی پانصد سال است که مرسوم شده و نیز گفتند که علی الظاهر این رسم را از مغولها آموخته اند. و می دانیم که در کتابهای ما هم از "تمنا" زیاد اسم رفته است.

اصول و قواعد زیباشناسی چینی مدون است و شنیدیم که گفتند کتابهای یک هزار و چهار صد ساله درین موضوع از پیشینیان خود به یادگار دارند.

دیدار از یانجو - معبد دامینگ

یانجو از نانگن چندان دور نیست. فرمان به یانجو کشید که از معبد بودائی دامینگ دیدار کنیم و نیز از مسجد آنجا که شهرتی دارد.

اهمیت معبد دامینگ به واسطه آنست که یکی از تارک دنیا یان چین به نام چی ان جن Chi-En-Jen در آن عبادت می کرده است و اوست که در سال ۷۴۳ مذهب بودائی را به ژاپون برد.

پس از مرگش مجسمه‌ای از وی می‌سازند که از نفاثس و ذخائر ژاپون است، و امسال ژاپونیا بمناسبت قدرشناختن حق صحبت دوستی پیوند یافته (میان خود و چینیان) آن مجسمه را برای دیدن مردم به مدت هفت روز به این شهر آورده بودند و چینیا فرصتی یافتند که شبیه آن را از چوب "لامو" بتراشند و در معبد بگذارند. در یک هفته که مجسمه اصلی در معبد بود یکصد و پنجاه هزار نفر از آن دیدن کرده‌اند و گفتند جمعیت یانجو دو بیست هزار نفر است.

حضرت چی آن جن شش بار به ژاپون سفر کرد و در سفر بارششم به ژاپون بود که توانست نخستین معبد بودائی را در آنجا دایر کند. این عابد بودائی در راه مقصود خود صدمات بسیار کشید. در سومین سفرش کور شد و حساب کرده‌اند که او مدت ده سال از دوران زندگی را در سفرهای دراز بر روی گشتی گذرانیده بود.

چی آن جن هم مبشر و آورنده مذهب بودائی به ژاپون بود و هم منتقل کننده هنر چاپ و طب و معماری چینی به آن سرزمین. در تاریخ فرهنگ دو ملت چی آن جن را ناقل عمده تمدن چینی به ژاپون می‌دانند. ژاپونیا هم مقام او را در فرهنگ خود بسیار معزز می‌دارند.

یانجو و ایران

یانجو در یک هزار و چهارصد سال پیش، از مراکز عمده دادوستد چین با ممالک دیگر آسیایی بود. یانجو در طول تاریخ خود همیشه از مراکز عمده تجارت چین بوده است. در روایات چینی هست که بازرگانان ایرانی زیادی در قرن پانزدهم در یانجو می‌زیسته‌اند. سبب این امر آن بود که راه تجارت بر خشک از رونق و آبادانی افتاده بود و تجارت دریایی یانجو رواج گرفته بود.

مساجد یانجو

در یانجو مسجدی بوده است به نام "درنا" (Cigongne) که در قرن سیزدهم خراب می‌شود و اکنون بر جای آن کانال آب منشعب از رودخانه می‌گذرد. "درنا" میان چینیان از پرندگان خوش‌یمن و از مظاهر عمر درازست و مجسمه‌اش در اکثر معابد و کاخهای چین هست. گفتند که در آن دوران چهار مسجد معتبر در چین بوده است: آنکه در یانجو بوده، همین مسجد درنا بوده است. سه مسجد دیگر به نام "خوای سن" در گانتن، مسجد هانچو نزدیک شانگهای و بالاخره مسجد چهارم به نام "شیرینگ" (سگ خیالی) در شانزو. ذکر این مساجد در سالنامه‌ها و کتابهای قدیم تاریخ چین آمده است.

از آثار قدیمی و دیدنی شهر که با تمدن ایرانی ارتباط دارند مقبره‌ای است به نام بهاء‌الدین و مسجدی کوچک که در کنار آن است. این مقبره و مسجد بر کنار کانال قدیمی شهر

故宮



درنا

نمونه‌ای از مجسمه‌های "درنا" که در اغلب قصور و معابد چین نصب است در اینجا چاپ می‌شود.

شناختن اسم اصلی این حیوان در زبان فارسی آسان نیست و بهمین ملاحظه هر جا که ما این مجسمه را می‌دیدم به یاد دوست دانشمند خود آقای دکتر امیر حسن یزدگردی استاد دانشمند می‌افتادم که یک کتاب چهار صد پانصد صفحه‌ای دربارهٔ انواع این مرغها و تسمیه آنها در فرهنگ و ادبیات فارسی نگاشته و آن را "حوصل نامه" نامیده است و در سلسله انتشارات دانشگاه تهران طبع می‌شود.



واقع است. امام مسجد گفت شهر ما در عهد سلسلهٔ تانگ از شهرهای با رونق چین بود. در اخبار آن سلسله و اشعار شاعران آن عصر ذکر ایرانیان دیده می‌شود و در افواه مانده است که با تسلط مغولها عده‌ای از ایرانیان به یانجو آمدند و علی‌الظاهر تعدادی از گورهای واقع در بقعهٔ بهاء‌الدین از آنهاست.

گفت یانجوی آن عصر از حیث تجاری در حکم شانگهای امروزی بود. یعنی شهربندری مهم زمان خودش بود. در سالنامه‌های چینی تعداد تجار خارجی (ایرانی، عرب، هندی و ژاپنی) را هفت هزار نفر نوشته‌اند. علت اصلی این بود که این شهر از راه کانالی که یکپزارو

یکصد کیلومتر طول دارد، به شمال وصل می‌شد. این کانال یکهزار و هفتصد سال پیش گشوده شده و معبری است که چند رودخانه عظیم چین را به یکدیگر متصل کرده است. البته اتصالات میان رودها در مدت هفت هشت قرن انجام شده است.

آثار مقبره بهاء‌الدین

مسجد و مقبره بهاء‌الدین یانجو مشرف است بر کانال. چند پله می‌خورد و به حیاط درخت‌داری می‌رسد. مسجد کوچک است و ساختمانهایش به اسلوب چینی، آنچه درین مجموعه مهم است، کتابه‌های فارسی است که بر قبور دیدیم.

سنگنبشته‌ای عمودی در محوطه بهاء‌الدین هست که نود سال پیش تهیه کرده‌اند. در مطالب چینی آن نوشته‌اند که بهاء‌الدین میان سالهای ۱۲۶۵ - ۱۲۷۵ به یانجو آمد و در راه سفر به "چینان" مرد. مریدش او را به یانجو آورد و به خاک سپرد. بر همین سنگ عبارتی عربی به خط نسخ (اسلوب چینی) نقر شده است: "اسمه‌الشیخ بهاء‌الدین".

بر دیوار یکی از بناهای بهاء‌الدین سنگنبشته‌ای نصب کرده‌اند، مورخ بسال ۱۹۳۲ و بر آن این اسم خوانده می‌شود: "آخوند هنگ یو چون" (به چینی).

لفظ آخوند که درین گتیه آمده است، مرا به یاد کتابی خطی انداخت در تاریخ ترکستان چین و به زبان چینی که چند سال پیش در کیوتو (ژاپون) دیده بودم و در آن تصویری از آخوند مسلمان ناحیت ترکستان بود. اینک عکس آن را درینجا به چاپ می‌رسانم.

阿
渾



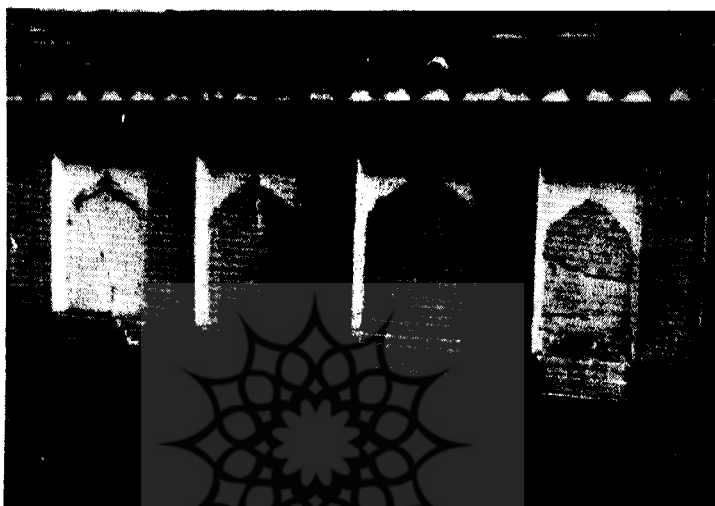
برای توضیح بیشتر

مجله راهنمای کتاب

سال ۲۱ (۱۳۵۷): ۵۱۱ - ۵۱۴

قصیده فارسی در سنگهای گور

در حیاط بهاءالدین که گورگاه جمعی بوده است ، دیوارگی ساخته‌اند به ارتفاع قریب به دو متر . بر بدنه این دیوارگ چهار لوحه سنگی قبر بطور عمودی نصب است . بر سطح دیگر دیوارگ یعنی به محاذات لوحه‌های نام صاحبان قبور ، چهار لوحه سنگی دیگر هست . (بچینی یا عربی) .



همه منقورات سنگها به خط نسخ چینی وار است . متأسفانه عکسی که در نامناسب بودن هوا ازین سنگها گفتم روشن نیست . برای نشان دادن خطوط در چاپ ، ناچار از آن شدم که با بی‌مهارتی خود اثر نقشها را با مرکب سیاه تر کنم تا خوانندگان بتوانند چیزی از اسلوب لوحه دریابند . آنچه توانسته‌ام از منقورات کتابه‌ها بخوانم چنین است :

(۱)

امیر شمس‌الدین نیکی‌بن شیخ الاعز الاجل الکبیر موفق الخیرات معدن الجود
والبرکات خواجه بدرالدولة والدین الفروسی (بی نقطه است و محتمل است قزوینی
است) و کان ذلک فی . . . ذی حجة سنة تسع و سعمائة .

لوحه چینی سمت دیگر قبر را آقای زین خواند و گفت درین جا نوشته‌اند که او مهرداد
و دیلماج بوده است .

(۲)

. . . شمس‌الدین بن شرف‌الدین الصالغی (؟) . . . فی التاریخ اوائل من جمادی
الآخره سنة اربعین و . . . (ریخته) (ظاهراً) رقم مائه آن هفتصدست ، به قیاس سنگ

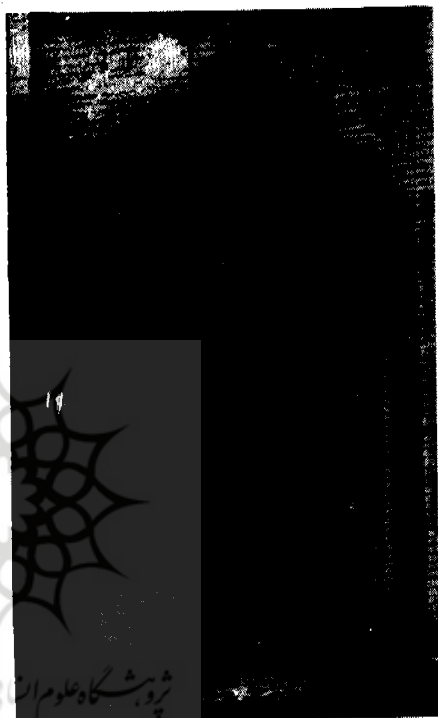
قبلی) .

برسنگ آن سوی این سنگ آیات قرآن است .

(۳)

... (ناخوانا) ... قوام الدوله والدين اميرحاجي بن علاءالدين يعرف

براتدار ... الثالث والعشرين من شهر ربيع الاول سنة اثنين و سبعمائه .



بر سنگنیشته پستی آن قصیده‌ای در هفده بیت به فارسی گنده شده . این قصیده که یکی از یادگارهای گرانبهای دیرینه سال وجود تمدن ایرانی در چین است ، موجب شد که مادر میان جماعت چینی گرد آمده بر آن صحنه ، گردنی افراختیم . در حقیقت بادی به سیل انداختیم که ببینید : زبان ملی ما هفتصد سال است درین سرزمین از باد و باران گزند ندیده است . قصیده این است و موارد ریختگی و شکستگی آن با نقطه چین نموده شد .

سزودۀ عقلاء جهان قوام الدین	بزرگ زاده‌ای از اصل و فخر اقران بود
امیرحاجی گنج . . . خزانه فضل	خدایگان سعادت و قنبر و امکان بود
صفای مسند او بود مطلع خورشید	جمال مجلس او رشک باغ رضوان بود
سحای حاتم طائی وجود حیدر داشت	از آنکه دست و دلش بحر و کان احسان بود

همی رسید وزارت ورا بااستحقاق
 جوان برفت خزان دورشدکی . . . از
 الاحوال
 جهان زرحلت . . . حزن و پائس شده
 اعتدال نفوس
 زروی . . . همایون لقا و عالی قدر
 . . . سال بالمش نبود جز
 . . . حافظ اسرار وحی ربانی
 قرآن به لحن داودی
 . . . لطف و . . . و خرد و بزرگ
 به عقل معتقد شرع احمد مختار
 خدای رحمت خود را قرین او دارد
 . . . مجمر او روح قدسیان را قرب
 و کان ذلك فی التاريخ الثالث والعشرين من شهر ربيع الاول سنة اثنین وسعمائة

خوانندگان توجه بفرمایند که سنگ کن در رسم الخط خود "که" را بمرسوم کتابتی که در آن قرون در ایران رایج بود "گی" آورده است .

(۴)

لوحه سنگی است از آن قبر زنی به نام عایشه خاتون ، به این نوشته گنده شده :
 "عایشه خاتون که والده امیر رضی الدین مستوفی است که سوتن^۱ (این کلمه در بالای لوحه آمده و جایش در متن سفیدست ، پس نام مقدسی است) سوقان مانک لسون فورسن تغمدها الله . . . و قد توفی . . . اربع و عشرين و سعمائة .

لوحه پشت برین قسمت محتوی آیاتی از قرآن است .
 ضمناً "گتیه ای به خط چینی بر سر یک چهارطاقی درین محوطه هست که در آن ذکر شده است که در این محل پنج مبلغ دفن شده اند : بهاء الدین ، سکندر (کهذا) ، محمود ، جمال الدین ، فنا ."

درکانتون

آخرین شهری که می بینیم گانتون است . از مراکز امروزه تجارت است . نمایشگاه بین المللی بازرگانی و صنعتی دارد و قدرت چین در آن عرضه می شود . اما ما درین یافتن آثاری هستیم که نشان دهنده ارتباط با کشور ما باشد .

مسجد این شهر که به مسجد گوان تا Guan-ta شهرت دارد دارای مناری است به اسلوب مساجد سنتی اسلامی. ta در چینی معنی مناره می‌دهد. بهمین ملاحظه این مسجد به "گوان تا" شهرت گرفته است.

خادم مسجد گفت که اسلام در آغاز بدین شهر از چین رسید و کسی که آورنده اسلام بود ابی وقاص بود. او از راه دریا به این شهر آمد.

گفتند که این منار پایه چراغ دریائی بوده است برای راهنمایی کشتیها و... چون مسجد را برکنار آن ساخته‌اند به منار مسجد تبدیل شده. منار یکسره از آجر بوده است و در سالهای اخیر آن را به بتون پوشانیده‌اند. تعداد مسلمانان شهر را چهارهزارویصد نفر گفتند.



منظره داخل شبستان مسجد کانتن با کتیبه عربی

خادم گفت درین مسجد مقادیر زیادی کتب قدیمی بود که در دوره انقلاب فرهنگی سوزانیده شد. آنچه باقی مانده است و ما دیدیم این چند کتاب چایی است:

- مصباح، طبع بمطبعه چندا، بیگین، ۱۳۵۳ قمری (در ۵ باب)
- عوامل جرجانی، طبع بمطبعه چندا، بیگین، ۱۳۵۳ قمری.
- سرگذشتی از حضرت رسول به زبان چینی طبع سال ۱۹۵۱ میلادی.
- القواعد الجلیة للطلاب اللغة العربیة، المؤلف الشیخ محمد ابراهیم فلیفل مدرس مدرسه — المعلمین چندا — بیگین.

— "تعریف بهذا المصحف، الشریف" که تجوید قرآن است، به خط چینی و عربی .
 — کتابی به زبان چینی به نام علوم اسلامی (چاپ ۱۹۲۵ پکن) حاوی کلیاتی درباره قرآن و سرگذشت حضرت رسول و آداب مذهبی اسلام تألیف ه. ک. لان و آن را مؤسسه‌ای بنام Islamic book and periodicals Co. ناشر آن بوده است. همین مؤسسه در سال ۱۹۲۱ مجله‌ای به نام The Chinese Islamic Weekly بطور هفتگی نشر می‌کرد که یک شماره آن در مسجد وجود داشت .

روضه ابی‌وقاص

در میان جنگل مانندی بر کنار شهر گانتون از "روضه ابی‌وقاص" یعنی مقبره آورنده روایتی اسلام به چین دیدن کردیم . بر سر در ورودی باغ مقبره به خط عربی به اسلوب چینی نوشته است : روضه ابی‌وقاص . اطراف ساختمانی که به قبر ابی‌وقاص اختصاص دارد . تعدادی زیاد سنگ قبور دیده می‌شود . یعنی قبرستان مسلمین گانتون بوده است .
 سنگ قبر دیگری که دیدیم مورخ صفر ۱۱۹۰ است ، با منقوراتی به خطوط چینی و عربی . نام متوفی بر روی سنگ "ضیاء الدین العالم فقیه" آمده بود .
 قدیمی‌ترین سنگ قبری که در فرصت کوتاه دیدار ، در آنجا دیدیم ، از آن حاجی محمود بن حاجی محمدافندی بود و تاریخ ۱۱۶۰ هجری قمری داشت .

کمون پن جو

یک روز پیش از وداع با چین ، ما را به دنیای جدید چین بردند . آنجا یکی از کمونهای نمونه است که در بیست و چند کیلومتری گانتون قرار دارد .
 ابتدا به مرکز دفتری و اداری کمون وارد شدیم . ساختمان پاک و پاکیزه‌ای دارد با یک تالار بزرگ اجتماعات . میز و صندلیها مرتب و مستحکم است و همه به خرج کمون تهیه شده . کمون رئیس اداری دارد و درحقیقت کلاً نترآبادی است . باید دانست که راه و پل و کلیه عمارات و تأسیسات عمومی به خرج کمون ساخته شده است .
 این کمون مرکب است از نود و ده و هزار ، و هفتصد و چهل خانوار در مجموع این دهها سنگنی دارند . جمعیت آنجا را هفتاد هزار گفتند .
 سطح گشت این کمون ۴۵۶۶ هکتار است (برای سبزیجات و برنج و میوه) . مقداری هم دامپروری دارند (گاو و خوک و مرغ و اردک) . بعضی کارگاههای کوچک که برای وسایل کشاورزی لازم است در خود کمون هست ، بطوری که احتیاجی به رفتن به شهر نیست . کمون دارای بیست و یک مدرسه متوسطه و ابتدائی و یک کلینیک مجهز است .

درآمد سرانه سالانه هر فرد کارکن چهارصد یوان است و هرچه خواستم حساب کنم که یوان چند می شود، نتوانستم به مطلب برسم. علاقه مندان به اقتصاد و کشاورزی خود می توانند محاسبه کنند. کار دانش پژوه و من نبود.

پرسیدم مقصودشان از فرد کارکن چیست؟ گفتند آن مرد یا زنی است که برای کمون کار کند و درآمدش به صندوق کمون ریخته شود. مردم درآمدهایی اضافی هم از راه حصیریافی و بعضی صنایع دستی و کمی کشاورزی خصوصی دارند و حسابش از حساب کمون خارج است. خانوار مرکب است از مرد و زن و فرزندانسی که کمتر از هجده سال داشته باشند یا فرزندانسی که ازدواج نکرده باشند. این فرزندان که هجده را گذرانیده اند و ازدواج نکرده اند مجبورند مقداری از درآمد خود را برای خرج خانه به پدر و مادر بپردازند. گفتند مصارف درآمد سالانه هر خانوار صرف غذا (پانزده یوان برای هر فرد در ماه)، لباس، اتفاقات، امور تفننی، تعلیمات، ذخیره می شود. خانه معمولاً "از خودشان است که یا پدر و مادر صاحب شده اند و ساخته اند و یا فرد کارکن از پس انداز شخصی می سازد. مردان در شصت و زنان در پنجاه و پنج سالگی بازنشسته می شوند. مستمری بازنشستگی هفتاد درصد حقوق اصلی است. مردها در ماه چهار روز و زنان شش روز تعطیل دارند. هفت درصد از درآمد عمومی کمون به دولت چین داده می شود.

دارالشفای کمون

کلینیک کمون دارای دو قسمت است: پزشکی جدید به اسلوب اروپائی و طب چینی. اصول طبابت چینی بر اساس شناخت نبض است. پزشک دو دقیقه نبض را می گیرد و شگم و زبان را معاینه می کند و سپس دارو تجویز می کند. چنین طبیبی سه سال درس خوانده است. مراجعه به پزشک اسلوب چینی یا طریقه اروپایی بنا به تمایل بیمار است که کدام را برتر می شمارد.

قسمت طب سوزنی گسترده است و پرخواستار. بیماران را بر تخت ساده ای می خوابانند. امروزه سوزنها را به وسیله دستگاهی برقی به بدن بیمار فرو می کنند و سوزن بهمان وسیله در درون گوشت چرخش می یابد تا بر اعصاب اثر بگذارد. پیش ازین سوزن را به دست فرو می کرده اند و می چرخانیده اند. گفتند که اصولاً "طب چینی در بیماریهایی مؤثر است که اعصاب گزند دیده باشد.

در این کلینیک داروخانه بزرگی به داروهای گیاهی و سنتی چینی اختصاص دارد. بسیاری از داروهای گیاهی بیابانی را امروزه در مزارع بزرگ گشت می کنند و کشاورزی داروهای گیاهی یکی از رشته های مهم در کشاورزی چین است. پیش از این نوشته بودیم که

ششصد- هفتصد نوع داروی سنتی در چین رواج دارد. در این کلینیک گفتند تعداد داروهای گیاهی و معدنی سنتی که در بیماریهای معمولی به کار می‌رود، سیصد نوع است. در کنار اطلاق بزرگی که انبار داروخانه بود گونی‌گونی گیاههای خشک دیده می‌شد. مقدارش براساسی حیرت آور بود. حکایت از آن داشت که به چه میزان زیادی مصرف دارد.

داروهای گیاهی

پزشکی گیاهی در چین همانند دیگر ممالک آسیایی سابقه‌ای دراز دارد و هنوز هم اهمیتش بر جا و رواجش مسلم است.

ضمن گردش در گوشه‌ای از شهر به مغازه دارویی بزرگی وارد شدیم. در قسمتی از آن که مخصوص داروهای قدیمی بود چند نفر کار می‌کردند. به کمک آقای زینگ سؤال کردیم که چند نوع گیاه و مواد طبیعی هست که در داروسازی قدیم به کار می‌برند. گفتند بین هفتصد تا هشتصد نوع.

اکنون که این یادداشتها درج می‌شود باید بنویسم اروپائیان از قدیم الایام به طب و داروسازی چینی به چشم اعتنای نگرستند. از جمله کهمفر سیاح و عالم آلمانی که در عصر صفوی به ایران و چین سفر کرد و سفرنامه معتبری دارد. قسمتی را به معرفی گیاهان چینی اختصاص داده است. (دوستمان کاوس جهاننداری قسمت ایران از سفرنامه او را به فارسی ترجمه کرده).

آقای حکیم محمد سعید پاکستانی مؤسس مؤسسه همدرد (در شهر کراچی) در کتاب Medicine in China (کراچی، ۱۹۸۱) نشر کرده و قسمتی از آن را به داروهای چینی مختص ساخته است تعداد گیاهان دارویی چین را بین پانصد ششصد ذکر کرده است (ص ۲۹۷).

جزئیات دیگر

* سوخت عمده گمون زغال سنگ است. در پختن غذا از زغال چوب و مجاله پوست شلتوک برونج استفاده می‌کنند.

* در کارگاههای حصیربافی گمون پنج شش نوع اشیاء حصیری می‌یافتند و در همین جا دستگشای نخ می‌سپید.

* در خانه‌های این گمون دارای گلون و رزه است، همانند درهای قدیم ایران.

* محصولی که از گشت در زمین مجاز ملکی عاید کشاورزان می‌شود، متعلق به خودشان است و می‌توانند آن را آزادانه بفروشند. خانه مسکونی و اموال در اصول رایج کنونی از نسلی به نسلی به ارث می‌رسد.

* ساختمانها آجر سازست و اندرون اطاقها معمولاً "سفیدنا شده یعنی نمای آجری دارد.

دبستان کمون

یک دبستان بزرگ هم دیدیم . دسته‌های بچه چینی با چشمهای تنگ و صورتهایی که دارای تمایر با صورت بچه‌های ماست دیدنی‌اند ، بقول نظامی دهانی و زشمی به اندازه تنگ

.....

گفتند تعداد دانش‌آموز در هر کلاس درس نباید از پنجاه تن درگذرد . از کلاسی دیدن کردیم که معلمی زن درس می‌داد . اما در گوشه‌ای از کلاس مردی نشسته بود . پرسیدیم این شخص چکار دارد ؟ گفتند او هم معلم است . چون خود در این ساعت کلاس درس نداشته است برای آموختن از روش تدریس این معلم به این کلاس آمده است .

لباس بچه‌ها رنگین و نونوار بود . سرووضعها بسیار تمیز یا در حد تمیزی بود . کثیف تمام دیده نمی‌شد . برلباسهاشان ندرتا "آثار چرکی دوسه‌روزه دیده می‌شد . کفشها عموماً "پلاستیکی بود .

درسهای دبستان عبارت است از : زبان چینی ، حساب ، زبان انگلیسی ، معلومات عمومی (تاریخ و جز آن) ، ورزش ، موسیقی و آواز ، نقاشی ، سیاست . دوره دبستان پنج‌سال است . در کلاس موسیقی دیدیم که آواها را به حروف فونتیک لاتینی بر تخته نوشته بودند . بر دیوارهای مدرسه تابلوهای شعار به خط چینی و لاتینی آویخته بود .

هفت اختر

شائوچین شهرکی است در یکصد و بیست کیلومتری گانتون بر کنار دریاچه‌های زیبا و کوهستانی سبزپوش . قسمتی از دریاچه‌ها را با بستن سدی بزرگتر از آن کرده‌اند که در طبیعت وجود داشت . گردشگاهی است که وجود هفت کوه منفرد مخروطی شکل صخره‌ای سیاه رنگ موجب شهرت آن شده است .

اعتقاد مردم چین بر آن است که این هفت کوه هفت ستاره بوده است که چون با زمین اصابت کرده ، در زمین فرو رفته و بصورت کوه از زمین بر جوشیده است . هر یک از کوهها نامی دارد از ستاره‌ای . یکی از آنها به نام آن ستاره‌ای است که چینیان با شناخت آن راه‌یابی می‌کرده‌اند . درون اغلب کوهها غارهایی هست و بر دیواره غارها کتیبه‌هایی یادگارهایی هست از قرن‌ها و دوره‌ها .

... به گانتون بازگشتیم و از آنجا براه خشک به هنگ‌کنگ رسیدیم . مجید روشنگر آنجا سمتی داشت ، سه روز با او بودیم . سفرمان با مهمان‌نوازیهای او پایان گرفت . . . و این بود ثبیتی از شنیده‌ها و دیده‌های ما . پس از این می‌پردازم به بازآوردن آنچه در کتابها درباره چین باید دانست .